

رویکرد اریگن به مسیح‌شناسی^۱

مریم طهماسبی حاجی‌وند

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

طاهره حاج‌ابراهیمی^۲

دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اریگن اسکندرانی از مهم‌ترین مدافعان مسیحیت است، از این لحاظ که در مورد رابطه‌ی خدای پسر یا لوگوس الهی با خدای متعال، بهترین تبیین را به دست داده و برای نخستین بار در کلام مسیحی واژه‌ی هم‌ذات را به کار برده است. از دیدگاه او خدای پدر و لوگوس الهی از یک ذاتند اما به لحاظ کارکرد و ویژگی تفاوت دارند و هر یک بنابر وظیفه، نقش خود را در الوهیت ایفا می‌کنند. او میان خدای پدر و پسر تفاوت ماهوی قائل است و همین موضوع به طرح یک رابطه‌ی طولی میان دو اقنوم الوهی منجر می‌شود. اریگن معتقد است که لوگوس الهی در بدن عیسی مسیح جسم گرفت و در زمین ساکن شد. این لوگوس متجسد دو ماهیت الوهی و بشری دارد؛ در ماهیت بشری‌اش خدای متجسدی است که برای نجات و رستگاری انسان صورت بشری به خود گرفته است. تجسد لوگوس الهی، تکمیل عهدی است که خداوند با انسان پیش از آفرینش جهان بسته است. در این مقاله جایگاه اریگن در الهیات مسیحی و آرای او در حوزه‌ی مسیح‌شناسی را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها

اریگن، مسیح‌شناسی، لوگوس، متجسد.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): thajebrahimi@yahoo.com

مقدمه

اریگن از بزرگ‌ترین الهی‌دانان صدر مسیحیت است و پایه‌گذار نخستین الهیات نظام‌مند در حوزه مسیحیت محسوب می‌شود و آثار او تا قرن‌ها مرجعی برای رفع ابهامات الهی‌دانان مسیحی بوده است.

اریگن از مهم‌ترین مدافعان مسیحیت در قرن سوم م. بود که اساس محکمی برای تحولات تفکر مسیحی در شرق پدید آورد^۱ و خدمات ارزنده‌ای به مسیحیت کرد. اریگن سعی داشت با نشان دادن مسیحیت به عنوان دینی عقلانی در درجه اول از آن دفاع کند و در درجه دوم بر تعداد پیروانش بیفزاید.^۲

سهم بزرگ اریگن در تحولات الهیات مسیحی و نیز در حوزه مسیح‌شناسی قابل توجه است. وی در تبیین ماهیت مسیح از فلسفه افلاطونی کمک گرفته است. در این خصوص او پایه‌گذار سنت تفکیک میان الوهیت کامل پدر و الوهیت پایین‌تر، پسر بود.^۳ او در این خصوص موضعی مانند کلمنت با اندکی تمایز در جزئیات، اتخاذ نمود و زمینه تعریف الوهیت مسیح به عنوان خدای دوم و خدای تابع خدای پدر را فراهم کرد که از سویی الوهیت او تأیید می‌شد و از سوی دیگر فرمانبرداری و تبعیت او از خدای پدر، وحدت قلمرو الوهیت متعال را حفظ می‌کرد. او به شدت با آموزه دو خدا در قلمرو الوهیت مخالفت می‌کرد و میان خدای متعال و خدای پسر به عنوان خالق جهان، یک رابطه طولی مطرح نمود.^۴

اریگن که عمیقاً با فلسفه یونانی آشنا بود اعتقاد داشت که تنها یک خدا وجود دارد، عیسی مسیح پیش از همه آفریدگان از پدر به وجود آمده و روح القدس نیز در شأن و منزلت با پدر و پسر یکی است. به وجود آمدن پسر، رابطه یا فرآیند همیشگی است و واقعه‌ای

۱. مک‌گراث، آلیستر، *در سنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ش، ص ۳۹.

۲. کونگ، هانس، *متفکران بزرگ مسیحی*، گروه مترجمان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۱ش، ص ۵۸.

۳. مک‌گراث، آلیستر، ص ۴۰.

۴. هادی‌نا، محبوبه، *ریشه‌های الهیات مسیحی در مکاتب گنوسی و افلاطونی میانه*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹۰.

نیست که در یک لحظه مشخص و یا در زمان‌های دور رخ داده باشد، بلکه واقعه‌ای است جاودانه که همواره وجود داشته است.^۱

او اولین متکلم مسیحی است که واژه هم‌ذات^۲ را برای لوگوس و خدای پدر به‌کار برد. از نگاه وی لوگوس الهی / خدای پسر از ازل با خدای پدر بوده، در مرتبه‌ای پایین‌تر از او قرار دارد و عامل خلق و نظم جهان است. از سوی دیگر، روح القدس را هم از نظر شأن و منزلت با پدر و پسر یکسان؛ از نظر قدمت زمانی با لوگوس الهی و از نظر ذات با خدای پدر همسان می‌داند.

اریگن معتقد است لوگوس الهی در بدن عیسی مسیح جسم گرفت و در زمین ساکن شد و برسر مسئله تبیین ماهیت لوگوس الهی با محافل دینی اسکندریه به مباحثه و اقامه دلیل پرداخت و در نهایت دو جنبه ازلیت و تجسد برای او قائل شد و تمام توجه کلامی و آموزه‌های دینی خود را حول مفهوم لوگوس متجسد و نقش و وظیفه او در جهان و مسئولیتش در قبال خدا و انسان متمرکز ساخت. لوگوس متجسد دو ماهیت الوهی و بشری دارد، لوگوس الهی در ماهیت الوهی‌اش با خدای پدر متحد است و در ماهیت بشری‌اش خدای متجسدی شد که برای نجات و رستگاری انسان صورت بشری به خود گرفت.^۳

زندگی و آثار اریگن

اریگن اسکندرانی در حوالی ۱۸۵م در اسکندریه و در خانواده‌ای مسیحی دیده به جهان گشود.^۴ او سال‌های جوانی خود را صرف تعلیم و مطالعه عقاید مسیحی و متون مقدس در مکتب تعلیمات شفاهی درباره عقاید مسیحی اسکندریه و در محضر اساتیدی چون اسقف دمتریوس و کلمنت اسکندرانی نمود.^۵ پدرش که امکان آموختن علوم را برای او مهیا ساخته بود و از مؤمنان کلیسای مسیحی بود در جریان تعقیب و شکنجه مسیحیان در زندان

1. Dunzel, Franz, *A Brief History of the Doctrine of the Trinity in the Early Church*, Edinburgh, T& T Clark, 2007, p.35.

2. Homoousios

۳. هادی‌نا، محبوبه، ص ۲۶۸.

4. Eusebius, *Ecclesiastical History*, Kirsopp Lake & John E. L. Oulton (trans.), Cambridge, Harvard University Press, 1980, 6.25.2.

5. Ibid, 6.2.8.

اسکندریه و به دست امپراتور سوروس^۱ به قتل رسید. این حادثه بر ذهن اریگن تأثیر گذاشت تا جایی که تا آخر عمرش آرزوی رسیدن به مقام شهیدان را داشت. در همین زمان برخی از عالمان مسیحی هم چون کلمنت که شوقی برای شهادت نداشتند از اسکندریه گریختند و پس از این ماجرا اریگن به تبلیغ مسیحیت در جماعات یهودی و یونانی اسکندریه پرداخت.^۲

اریگن به عنوان واعظی توانا در بین مؤمنان حضور می‌یافت و با سخنان خود، شور ایمان و روحیهٔ مقاومت را در آنان تقویت می‌کرد.^۳ او معلم بود و به مقام معلمی خود می‌بالید و آن را موهبتی الهی می‌دانست و تعلیم خود را به شیوهٔ تعلیمی عیسی مسیح در کتاب مقدس ارائه می‌داد و مسائل تعلیمی خود را در قالب روایات داستانی بیان می‌کرد.^۴ علاقهٔ وافر او به زندگی قدیسان کتاب مقدس موجب شد که از اسقفی کلیسای اسکندریه کناره‌گیری کند و به زندگی زاهدانه بیاورد که گزارشات زهدگرایی او توسط یوسیبوس آورده شده است.^۵ نقل شده که اریگن در همان سال‌های اولیهٔ جوانی با حمایت‌های مالی یک زن ثروتمند مسیحی توانست مطالعات خود بر کتاب مقدس را تکمیل سازد و به عنوان معلم مشغول کار شود و اولین تحقیق ادبی و تفسیری خود بر *غزل‌های سلیمان* را تألیف نماید.^۶

آثار

اریگن از پرکارترین مؤلفان مسیحی در قرون اولیه است که شمار تألیفاتش بسیار حیرت‌انگیز است و نقش بسیار مهمی در تکمیل الهیات مسیحی داشته است. دغدغهٔ اصلی او تألیف کتاب‌هایی آکادمیک و نظام‌مند نبود بلکه آثار او کلیسایی و خطاب به مؤمنان بود. در زندگی‌نامهٔ او که توسط یوسیبوس نوشته شده ذکر گردیده که او دو هزار کتاب و رساله

1. Septimius Severus

2. Trigg, Joseph. W, *Origen, The Early Church Father*, London, Routledge, 1998, 1998, p.24.

3. Cf: Origen, *The Fathers of the Church, Homilies on the Jeremiah*, Clark Smith (trans.), Washington, CUS press, 1998, vol. 97, 20. 3.

4. Ibid, 6.3.8.

5. Trigg, Joseph. W, p.29.

6. Ibid.

نوشت. ^۱ آثار اریگن در رویکرد به کتاب مقدس تألیف شده‌اند، او بر برخی از متون عهد قدیم و عهد جدید تفاسیری نوشت و در پرتو آنها، مبانی اعتقادی و کلامی خود را بیان کرد ^۲ و سهمی را در تبیین اندیشه مسیحی به خود اختصاص داد. تألیفاتش سنگ بنایی در این زمینه گردید و اعتماد پدران کلیسا را که پس از وی به تفسیر کتاب مقدس پرداختند، جلب کرد. ^۳ تفسیرهایی که اریگن بر برخی قسمت‌های کتاب مقدس نوشت عبارتند از:

تفسیری بر غزل غزل‌های سلیمان ^۴، تفسیر بر مزامیر داود ^۵، تفسیر بر سفر پیدایش ^۶، تفسیر بر انجیل متی ^۷، تفسیر بر انجیل یوحنا ^۸، تفسیر بر انجیل لوقا ^۹، مواعظ بر ارمیا ^{۱۰}، مواعظ بر لوقا. ^{۱۱}

مهم‌ترین اثر اریگن درباره اصول اولیه ^{۱۲} نام دارد که به اصول اساسی هستی، معرفت و آموزه‌های مسیحی می‌پردازد. این کتاب به دلیل مطرح کردن پاره‌ای نظرات خاص مورد مناقشه، اتهام و حتی محکومیت قرار گرفت. ^{۱۳}

فیلولکالیا ^{۱۴} جنگی از آموزه‌های اریگن در باب خدا، جهان و ایمان مسیحی است. ^{۱۵} اثر دیگر او، بر رد سلسوس ^{۱۶} نام دارد که بینش‌های الهیاتی باارزشی را درباره

1. Whalen, John. P, "Roman Catholics", *New Catholic Encyclopedia*, USA, Gale Research Inc, 2002, p.767.

2. Crouzel, H, "Origen", *New Catholic Encyclopedia*, USA, Gale Research Inc, 2nd ed., 2002, vol. 10, p.656.

۳. نک. توماس، میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش، ص ۱۲۳.

4. *Commentary on the Song of Songs*

5. *Commentary on the Psalms*

6. *Commentary on the Genesis*

7. *Commentary on the Gospel of Matthew*

8. *Commentary on the Gospel of John*

9. *Commentary on the Luke*

10. *Homilies on Jeremiah*

11. *Homilies on Luke*

12. *On First Principle*

13. Whalen, John, p.767.

14. *Philocalia*

۱۵. این مجموعه توسط باسیل کبیر و گریگوری نازیانوسی در فاصله ۳۵۰ تا ۳۶۰ م. جمع‌آوری گردید.

16. *Contra Celsum*

منازعات میان مکتب‌های رقیب ارائه می‌دهد؛^۱ و به دنبال آن مطالبی را پایه‌ریزی کرده که الگوی یک طرح کلامی جدید در مسیحیت شده و تبیین مثبتی از پیام مسیحی را فراهم کرده و این را در کتاب خود، رساله‌ی مربی^۲ در اخلاق عملی به خوبی شرح داده است. این کتاب، به سرعت به کتاب راهنمای اخلاق مسیحی تبدیل شد.^۳

و اثر آخر او که در این مقاله از آن نام می‌بریم متن شش ستونی^۴ از کتاب مقدس - در ۵ جلد - است که در یک ستون متون عبری را بدون اعراب نوشت و ستون بعدی را به طرز تلفظ متن عبری به یونانی اختصاص داد و در چهارستون بعدی چهار ترجمه‌ی یونانی آن را قرار داد.^۵

مسیح‌شناسی اریگن

برای روشن شدن دیدگاه اریگن نسبت به مسیح و جایگاهش در الهیات مسیحی به بررسی آموزه‌های لوگوس، تثلیث و تجسد می‌پردازیم:

لوگوس الهی

محور الهیات اریگن بر مفهوم الوهیت خدای پسر و رابطه‌ی او با خدای پدر و جهان هستی متمرکز است. اریگن خدای پسر را لوگوس ازلی می‌داند که در الوهیت با پدر مشترک است اما در تمامی اعمال الوهی خود، هم‌چون تجسد و رستگاری تابع مشیت خدای پدر است. او به استناد یوحنا (۱۴: ۹) می‌گوید: «هرکه مرا ببیند، خدای پدر را دیده است» به این معنی که او شبیه پدر است و در ازلیت با او سهیم است؛ چراکه زمانی نبوده که او وجود نداشته باشد. خدای پسر از زمانی که خدای پدر بوده است، وجود داشته است. پس اگر کسی بگوید که زمانی بوده که پسر نبوده باشد به او می‌گوییم که پسر، حکمت و لوگوس و حیات است و اگر او نباشد، هستی نخواهد بود، زیرا غیرممکن است که خدا از مخلوقی

۱. هیک، جان، *اسطوره‌ی تجسد خدا*، ترجمه‌ی عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ش، ص ۱۰۲.

2. Paldagogos

3. Whalen, John, p.767.

4. Hexapla

۵. کونگ، هانس، ص ۶۷.

ازلی یعنی حکمت و لوگوس و حیات فارغ باشد، از این رو پسر همواره با او بوده است.^۱ از سوی دیگر، لوگوس الهی، همان عیسی مسیح در کتاب مقدس است که به اراده پدر در برهه‌ای از زمان هستی یافته و در میان انسان‌ها ساکن شده است: «پروردگار ما عیسی مسیح، در جسم ظاهر شد و بر تمام جهانیان تابید. او لوگوس است که جسم گرفت و در میان ما ساکن شد».^۲

در نگاه اریگن، لوگوس (مسیح)، خدای متجسد بود که برای نجات انسان، خود را قربانی کرد. او تأکید می‌کند که باید میان صفات لوگوس به عنوان خدای پسر و لوگوس به عنوان خدای متجسد با کالبدی بشری تفاوت قائل شد، چراکه در حالت اول با وجود مرتبه پایین‌تر الوهیت نسبت به خدای پدر، او یک خداست و در حالت دوم یک بشر است. صفاتی هم‌چون حکمت، لوگوس و حیات، صفاتی الوهی و صفاتی چون منجی و شبان، صفات بشری می‌باشند که باید بین این دو تمایز قائل شد.^۳

روشن است که اریگن دو ماهیت بشری و الوهی برای لوگوس قائل است؛ در ماهیت الوهی با خدای پدر متحد است و در ماهیت بشری، خدای متجسدی است که برای نجات و رستگاری انسان، به شکل بشر درآمده است.

او معتقد است که خدای پسر قبل از خلقت و بعد از آن، یک خدای کامل است که در الوهیت با خدای پدر سهیم است: «خدای پسر یا لوگوس الهی به عنوان خالق جهان در وجود و ازلیت با خدای پدر سهیم است» و به مشیت الهی در برهه‌ای از زمان جسم گرفته و متجسد شده است: «او جسم و روح بشری گرفت و بر زمین ساکن شد».^۴ و ادامه می‌دهد: «لوگوس در ماهیت الوهی خود با پدر در ذات و ازلیت سهیم است و در خلق و اداره جهان از او تبعیت می‌کند و در ماهیت بشری خود، انسانی است که خدای پدر برگزیده تا قربانی شود».^۵ او ماهیت الوهی لوگوس متجسد را بر ماهیت بشری او مقدم

1. Origen, *Contra Celsus*, Henry Chadwick (ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 1980, 1.2.3.5.

2. Origen, *The Fathers of the Church, Homilies on the Jeremiah*, 9. 1.

3. Idem, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, Washington, The Catholic University of America Press, 2001, vol. 80, 1. 21.

4. Idem, *On first principles*, John Behr (ed. & trans.), Uk, Oxford University Press, 2017, 2. 6. 2.

5. Ibid., 1. 2. 4.

می‌داند، زیرا از ازل با پدر بوده است (یوحنا ۱: ۱-۲). یعنی از نظر وجودی ماهیت الوهی او مقدم بر ماهیت بشری‌اش است و ماهیت بشری او بعدها برای تکمیل وظیفه‌ی الوهی‌اش در نجات انسان و رستگاری جهان به وجود آمده است.^۱

اریگن دلیل دیگر تقدم ماهیت الوهی مسیح را در اهمیت آن از نظر الهیاتی می‌داند؛ زیرا معتقد است همگان قدرت درک ماهیت الوهی مسیح را ندارند. صفات بشری مسیح بر همگان قابل درک و رؤیت بود، در حالی که درک و رؤیت صفات الوهی وی بر همگان هموار نبود...^۲ و لوگوس متجسد را تنها آنانی که از برکت و تقدس الهی بهره داشتند، شناختند و مابقی، تنها او را در صفات بشری یعنی منجی و شبان یاد کردند.^۳

نکته دیگر در خصوص باورهای اریگن از لوگوس آن است که: «همه چیز به واسطه‌ی لوگوس آفریده شده و بدون او هیچ موجودی هستی نمی‌یابد».^۴ او این تعریف را می‌پذیرد و تصدیق می‌کند: «هرگز زمانی نبوده است که خدا بدون حکمت و لوگوس باشد و ما در آغاز خلقت از لوگوس الهی خلق شده‌ایم؛^۵ زیرا او صورت خدای پدر است».^۶ اگر خدای پدر را نور ازلی بدانیم، پسر، روشنایی است و همیشه و بطور ازلی از این نور بیرون می‌آید، روشنایی که این نور می‌زاید بلافاصله با این نور موجودیت می‌یابد. این روشنایی - پسر - واسطه‌ی خلق موجوداتی است که در زنجیره‌ی خلقت پایین‌تر از او قرار دارند.^۷

رابطه‌ی خدای پدر و لوگوس الهی

برای روشن شدن رابطه‌ی پدر و پسر در کلام مسیحی، باید به بررسی ذات آن دو و کارکرد هر یک بپردازیم. اریگن واژه‌ی هم‌ذات را برای تبیین این رابطه به کار برد. او باور دارد که خدای پدر و لوگوس الهی ذاتی مشترک دارند^۸ که از لحاظ ویژگی و کارکرد با هم تفاوت

۱. هادی‌نا، محبوبه، ص ۲۶۸.

2. Origen, *Contra Celsus*, 2. 67.

3. Idem, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 1. 22.

4. Ibid., 1. 3.

5. Idem, *On First Principle*, 2. 4. 5.

6. Origen, *Contra Celsus*, 4. 14.

7. Dunzel, Franz, p.36.

8. Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 1. 24. 157.

دارند. لوگوس به عنوان خدای دوم^۱ اگرچه با خود خدا هم جوهر است اما تابع امر و اراده اوست. از این رو به عنوان خالق و مدبر جهان، در الوهیت مرتبه‌ای پایین‌تر از خدای پدر دارد.^۲ در حالی که خدای پدر ذات همه اشیا را در برمی‌گیرد و بر آن احاطه دارد، خدای پسر خدای دوم بعد از پدر است که تنها بر موجودات عقلانی و معقول^۳ محیط است.^۴ از نظر اریگن، ذات، همان جوهر است که در خدای پدر و پسر مشترک است و اقنوم که ماهیت است، در این دو کارکرد متفاوت دارد. پس خدای پدر و خدای پسر ذاتی الوهی با ویژگی‌های متفاوت دارند.

براین اساس، اریگن برحسب تفاوت ویژگی‌های ماهوی برای پسر در الوهیت مرتبه‌ای پایین‌تر از مرتبه خدای پدر قائل است و معتقد است خدای پدر، ذات مطلق الوهیت است در حالی که خدای پسر در مرتبه ربوبیت و صفات الهی قرار دارد. او میان خدای پدر و لوگوس صرفاً تفاوت ماهوی و مبتنی بر نقش کارکرد و وظیفه قائل می‌شود.^۵ تفاوت ماهوی خدای پدر و پسر گاهی در آثار اریگن به طرح یک رابطه طولی میان دو اقنوم الوهی منجر می‌شود و به لحاظ زمانی مرتبه الوهی خدای پسر متأخر از خدای پدر می‌داند: «باید میان فعل خالق و ماهیت او که می‌تواند از نظر زمانی یک خدای متأخر از خدای متعال باشد تفاوت گذاشت...»^۶

اریگن باور دارد که خدای پسر واسطه خدای لایتناهی و مخلوق تناهی است، نه تنها لوگوس جهان را آفریده بلکه دائماً با او در ارتباط است.^۷

تثلیث

از نظر پدران کلیسا - که در فاصله سال‌های ۱۰۰ تا ۵۰۰ می‌زیستند - تثلیث «خدا، مسیح و

1. deuterios theos

2. Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 2. 21.

3. Logika

4. Origen, *On First Principle*, 2. 4. 6.

5. Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 13.2.51.

6. Ibid, 20.18.

7. Tzamalikos, p. *Origen: Cosmology and Ontology of Time*, Leiden, Brill Academic Publishers, 2006, p.165.

روح القدس» با تولد عیسی آغاز می‌شود و پس از رستاخیز و عروج او تداوم می‌یابد. پیش از تولد او تنها دو موجود ازلی، خدا و روح القدس، وجود دارند؛ از نظر آن‌ها روح القدس همان مسیح ازلی تلقی می‌شود و اگر سخنی از لوگوس به میان می‌آید آن نیز با روح القدس یکی دانسته می‌شود. اما با آباء دفاعیه‌نویس - که اریگن یکی از آن‌ها می‌باشد - میان لوگوس ازلی و روح القدس ازلی تمایزی پدید می‌آید؛ لوگوس با مسیح ازلی یکی می‌شود و روح القدس به عنوان موجود سومی که ازلی و غیرمادی است تلقی می‌گردد. در نتیجه، تثلیث که اینک به صورت تثلیث خدا، لوگوس و روح القدس درآمده بود، با تولد عیسی آغاز نمی‌شود؛ بلکه پیش از تولد او، حتی پیش از آفرینش جهان، وجود داشته است.^۱

اریگن با تبیین تثلیث در مسیح‌شناسی لوگوس، مرجعی فلسفی گردید و سخن خود را در این باره از تثلیث سه اقنوم آغاز کرد. به نظر وی پسر بدون آن‌که از خدا جدا شود از او صادر می‌گردد، رابطه‌ی پسر با پدر مانند رابطه‌ی شعاع است با منبع نور که از آن ساطع می‌شود اما جدا نمی‌گردد و زایش لوگوس هم نمی‌تواند تغییری در خداوند ایجاد کند. او در تبیین رابطه‌ی پسر و پدر به نظریه‌ی تولد روحانی گرایید؛ به این معنا که این تولد، ازلی و بدون تأخر است. پسر، خارج از ذات نیست بلکه به واسطه‌ی جوهر، پسر اوست.^۲

تثلیث مورد نظر اریگن تثلیث سلسله‌مراتبی است و در آن وجود خدا در سه مرتبه و تراز در نظر گرفته می‌شود. او میان اقانیم الوهیت یک رابطه‌ی طولی قائل است که در رأس آن خدای پدر و پس از آن خدای پسر و سپس روح القدس قرار دارد.

اریگن بارها در آثار خود به صراحت، تعالی و فرازمنندی خدای متعال بر خدای پسر و روح القدس را ستوده و تبعیت این دو اقنوم از اقنوم اول را تصویب نموده است: «خدای پسر و روح القدس از امر و اراده‌ی خدای پدر تبعیت می‌کنند».^۳ در حقیقت اریگن میان اقانیم الوهیت یک رابطه‌ی طولی قائل است که در رأس آن خدای پدر و پس از آن خدای پسر و

۱. ولفسن، هری اوسترین، *فلسفه‌ی آباء کلیسا*، ترجمه‌ی علی شهبازی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ش، ص ۴۵.

۲. ایلخانی، محمد، «تثلیث»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، تألیف غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، جلد ۷، ۱۳۸۱ش، ص ۴۸۲.

3. Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Isaia*, P. Scheck (trans.), Washington, The Catholic University of America Press, 1998, vol.9, p.6.
2.

سپس روح‌القدس قرار دارد: «خدای پدر خلق می‌کند و بر همه‌ی اشیاء محیط است. در حالی که خدای پسر، خدای دوم است که عقل می‌بخشد و تنها موجودات معقول را در برمی‌گیرد و روح‌القدس از این هم کمتر است تنها قدیسان را شامل می‌شود».^۱

به نظر می‌رسد اریگن در طرح رابطه‌ی طولی میان اقانیم الوهی، به تثلیث افلاطونی میانه یعنی واحد متعال، عقل اول یا خدای خالق و عقل دوم یا لوگوس نظر داشته است. واحد متعال در فلسفه‌ی افلاطونی میانه با ویژگی‌های خدای پدر در الهیات اریگن، هماهنگ است و عقل اول با لوگوس مسیحی منطبق است که هر دو نقش خدای خالق و حافظ جهان را ایفا می‌کنند و هر دو تابع امر و مطیع اراده‌ی خدای متعال هستند. در این دیدگاه لوگوس افلاطونی به عنوان اقنوم سوم با روح‌القدس مسیحی قابل انطباق است؛ زیرا لوگوس به عنوان نسخه‌ی زمینی عقل اول، در جهان حضور دارد و در تمام موجودات معقول فعال است تا آن‌ها را به رستگاری رهنمون سازد.^۲

جان دیلون تثلیث اریگن را تثلیث افلاطونی می‌داند و سه اقنوم الوهی هر دو مکتب را با سه اصل وجود، حیات و عقل در فلسفه‌ی مقایسه می‌کند. وجود از حیات وسیع‌تر است؛ زیرا تمام اشیاء اعم از ذی‌حیات یا فاقد حیات را در برمی‌گیرد. در حالی که حیات فقط شامل گیاهان، حیوانات و انسان می‌شود و حیات از عقل وسیع‌تر است زیرا هم موجودات معقول و هم فاقد عقل را در بر می‌گیرد. در حالی که عقل فقط شامل موجودات معقول می‌شود و این سه اصل به ترتیب با خدای پدر، خدای پسر و روح‌القدس قابل انطباق است.^۳ از سویی دیگر، اریگن خدای پسر را «تجلی قدرت خداوند»^۴ می‌خواند که در این تعبیر خدای پسر با خدای صانع (دمیورگ)^۵ بر اصل دوم فلسفه‌ی افلاطونی تطبیق می‌یابد و روح‌القدس که وسیله‌ی فیض‌بخش خدای پدر^۶ به مؤمنان است با لوگوس جاری در طبیعت افلاطونی همانند

1. Idem, *On First Principle*, 1.3.5.

2. Bury, "Introduction to the Timaeus Epistle", *The Loeb Classical Library*, R. G. Bury (trans.), G. P. Gold (ed), Cambridge, Harvard University Press, 1973, vol.9, p.7.

3. Dillon, John, *Origene's Doctrine of Trinity and Some Later Neoplatonic Theories*, D. J. O'Meara, London, Sunny Press, vol.3, 1982, pp.239- 240.

4. Origen *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 13. 25.

5. Demiurg

6. Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, 2. 10. 77.

می‌شود.^۱

تجسد

حادثه‌ی تجسد لوگوس الهی در آموزه‌های کلامی اریگن، مبنای آموزه‌های الهیاتی، جهان‌شناسی و فرجام‌شناسی قرار می‌گیرد. از نظر او تجسد، تکمیل عهده‌ی است که خداوند با انسان، پیش از آفرینش جهان بسته است.^۲ او در مهم‌ترین اثرش یا به تعبیری شاهکارش - در باب اصول اولیه - به شرح دوگانگی‌های فلسفی که در این خصوص با آن‌ها مواجه شده می‌پردازد و راز تجسد را آشکار می‌کند؛ این که چطور خدا به انسان تبدیل شد و چگونه این وجود کامل متعالی، جسم ناقص به خود گرفت. در بخشی از این اثر آمده:

«وقتی... ما در او چیزهایی می‌بینیم که آنقدر انسانی هستند که در ظاهر به هیچ عنوان تفاوتی با ضعف و سستی مشترک بشر ندارد و هم چنین چیزهایی که آن قدر الوهی هستند که مناسب هیچ چیز غیر از طبیعت بنیادین و ناگفتنی معبود نیست، آن جاست که درک بشر با مرزهای محدود خود پریشان می‌شود و در بهت فرو می‌رود و نمی‌داند کدام راه را برگزیند، به کدامیک متصل شود و کدام را بر خود فرض بداند. اگر به خدا فکر کند او انسان را می‌بیند و اگر به انسان فکر کند شاهد همانی خواهد بود که پس از فتح قلمرو مرگ با غنائم از جهان مردگان بازمی‌گردد».^۳

اریگن دوگانگی و راز تجسد را به عنوان بخشی از تدبیر الوهی^۴ برمی‌شمرد که قبل از خلقت جهان رقم خورده است؛ گو این که بدون تجسد مسیح، نجات انسان و جهان، تحقق نمی‌یافت.^۵ او همانند کلمنت، توجهش را معطوف ارواح بشری به عنوان ذینفعان اصلی برنامه‌ی نجات می‌کند اما در توضیح شرح کامل‌تر روح خود مسیح و نقشی که در تجسد بازی می‌کند از کلمنت فراتر می‌رود.^۶ از دیدگاه وی، تجسد یک حادثه‌ی واقعی و بی‌نظیر

۱. هادی‌نا، محبوبه، ص ۲۲۰.

۲. همان، ص ۲۶۸.

3. origen, on first principles, 2. 6. 2.

4. economy

5. Trigg, Joseph Wilson, p.26.

6. Davis, Stephen, *Coptic Christology in Practice, Incarnation and Divine Participation in Late Antique and Medieval Egypt*, UK, Oxford University Press,

تاریخی است...^۱

حال باید دید هدف از خلقت جهان مادی چه بوده؟ اریگن به عنوان یک الهیدان نظری عمیقاً علاقه‌مند به گمانه‌زنی در مورد ماهیت قلمرو الوهی و پرسشگری در مورد وجود کائنات، قبل از خلقت جهان بود. در تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها او یک عالم اولیه را تصور می‌کرد که در آن، همه موجودات عقلانی یا اذهان در اتحاد سعادت‌مندی با خدا بودند و خصیصه‌ی ازلی عشق خدا را که به عنوان صورتی از گرما و حرارت تصور می‌شد به طور مشترک داشتند.^۲ البته براساس جهان‌بینی اریگن، این اتحاد اولیه توسط هبوط این موجودات عقلانی - که با اراده‌ی آزاد خود موجودات انجام شد - از هم گسیخت. پس از گسست از عالم الوهیت و انتخاب گناه، این موجودات عقلانی به تدریج خنک و فشرده شده، از خدا جدا و دور می‌افتند.^۳ طی این فرآیند آن‌ها بدل به روح می‌شوند، چون به نظر اریگن روح از کلمه‌ی یونانی پسونخه (psyche) از فعل پسوخستیا (psychesthai) به معنی خنک شدن می‌باشد. هنگامی که این روح‌ها فرود می‌آیند خداوند اجسام اثیری ایشان را به جسم مادی متحول می‌سازد که براساس درجات عالی و دانی متفاوت است. او چون خیر و عشق محض است، بر ارواح گناهکار شفقت نمود و جهان مادی را خلق کرد تا ارواح سقوط بیشتری نکنند؛ برخی از این روح‌ها به فرشتگان و کروبیان و برخی دیگر به انسان‌ها و بعضی نیز به دیوها و شیطان‌ها که در قالب مادی‌ترین این موجودات شکل گرفته واگذار می‌شوند.^۴ طبق نظر اریگن، روح مسیح تنها موردی بود که از خدا نگسست و از وی منقطع نشد، روح وی در هبوط اولیه خنک نشد، هم‌چنان متحد با خدا ماند و کاملاً خصایص ذاتی خدا را در خود یکپارچه کرد؛^۵ بنابراین به عنوان عنصر واسطه بین کلمه‌ی الوهی و جسم بشری مسیح در تجسد عمل می‌کرد.^۶ در این خصوص اریگن می‌گوید:

«چون برای ذات الوهی ممکن نبود تا جسم گردد و بر روی زمین ساکن شود،

2008, p.8.

1. Origen, *Contra Celsus*, 4.8.

2. Ibid.

3. Origen, *On First Principles*, 2. 1. 1- 2.

4. Davis, Stephen, p. 9.

5. Origen, *on first principles*. 1. 2. 10, 13.

6. Trigg, Joseph Wilson, *Origen, The Bible and Philosophy in the Third Century Church*, London, Scm Press, 1985, p.26.

عیسی مسیح به عنوان پسر خدا تجسد یافت و به عنوان پسر خدا مُرد. تجسد و مرگ مسیح، تحقق وحدت عمیق میان لوگوس الهی و لوگوس متجسد در جسم و روح انسانی را به تصویر می‌کشد.^۱ تجسد او تکمیل وظیفه‌ی الوهی اش در ماهیت بشری به عنوان قربانی اعظم، منجی و شبان است.^۲

در تفکر اریگن، تجسد، نشانه‌ی اتحاد کلمه و روح بشری مسیح (که از ازلیت به هم متصل بوده‌اند) با جسم عیسی در رحم مریم مقدس می‌باشد. همانند مورد روح مسیح و اتحادش با کلمه‌ی الوهی قبل از آفرینش، و هم‌چنین جسم بشری او که مفروض کلمه در تجسد است، در هر دو مورد نیروی برتر کلمه هر آن‌چه را که با او در آمیخته و متحد شود، تغییر می‌دهد.^۳ کلمه پس از اعطای خصوصیات ذاتی الوهیت خود به روح مسیح، جسم وی را نیز به الوهیت می‌رساند. «ما می‌گوییم که جسم فانی کلمه و روح بشری درون آن به عالی‌ترین مقامات دست یافته‌اند نه فقط از طریق ارتباط و هم‌مدلی بلکه از طریق اتحاد و اختلاط با وی: پس از مشارکت در الوهیت او، آن‌ها به خدا تغییر یافتند».^۴

پس به واسطه‌ی تجسد، طبیعت بشری و الوهی درهم تنیده شد تا این‌که وجه بشری در اشتراک با آن‌چه که الوهی‌تر است الوهی شود. این موضوع نه تنها در عیسی، بلکه در تمام کسانی که به کمک ایمان به آن حیاتی که عیسی آموخته دست یابند دیده می‌شود. همان‌طور که در نامه‌ی دوم پطرس ۱:۴ اشاره شده: «ایمان آورندگان مسیح از جلال او بهره می‌برند». در این آیه اشاره می‌شود که عیسی در طبیعت الوهی مشارکت می‌جوید.^۵

در فصل دوم تفسیری بر/انجیل یوحنا مشهود است که اریگن بر ارتباط بین موقعیت منحصر به فرد کلمه به عنوان عقل الوهی و مشارکت چندگانه‌ی ما در کلمه به عنوان موجوداتی عقلانی تأکید می‌ورزد: «کلمه، منشأ عقل است، عقلی که در هر موجود عقلانی هست». بعدها در همان اثر، اریگن توصیف می‌کند که چگونه عقل به انسان‌ها اعطا شده و چگونه

1. Origen, *Contra Celsus*, 2.6.5.

2. Ibid, 6.8.

3. Wolfson, Harry Austryn, *The Philosophy of the Church Fathers: Faith, Trinity, Incarnation (His Structure and Growth of Philosophic System from Plato)*, USA, Harvard University Press, 1970, p.392.

4. Origen, *Contra Celsus*, 3. 41. 7.

5. Idem, *On First Principle*, 1. 8. 4.

ما موجودی معقول می‌شویم که الهام گرفته از خدا است.^۱ بنابراین اریگن خداگونه شدن انسان را بر حسب یک تناظر مشابه بین جوهره‌ی الوهی خدا و مشارکت ما در ویژگی‌های خدا تعریف می‌کند. به غیر از خود خداوند هر چه که وجود دارد با مشارکت در الوهیت خداوند، الوهیت یافته و نباید خدا نامیده شود.^۲

پس ارواح انسانی دارای پتانسیل بازیابی اتحاد با خداوند هستند. بدن مسیح با الوهیت اتحاد یافت و تا اندازه‌ای تغییر کرد و خدا شد و این امکان را ایجاد کرد که او بتواند مدلی برای خداگونه شدن بدن فیزیکی بشر بشود. در حقیقت او به عنوان الگویی برای جسم اتحاد یافته‌ی کل رستگاران شناخته می‌شود.

شایان توجه است که اریگن معتقد است جنبه‌ی الوهیت مسیح در طول تجسدش بر روی زمین متوقف گشته و تنها ماهیت بشری او فعال بوده است.^۳ لذا خاطر نشان می‌سازد که: «جسم مسیح از خدا نبود اما از لوگوس الهی سرشار بود».^۴ او توضیح می‌دهد که لوگوس الهی در طول تجسد، در طبیعت بشری او پنهان گشت از این رو به راحتی قابل شناخت نبود.^۵ از این رو، ویژگی‌های بشری او را مردمان دیدند اما ویژگی‌های الوهی او پنهان ماند و درک نشد...^۶ حتی حواریون او نیز که برایشان ظاهر بود، نتوانستند الوهیت وی را کامل درک کنند و تنها بعد از آن که کار خود را با تجسد به پایان رساند، الوهیت او برجسته گردید.^۷ از نظر اریگن شناخت الوهیت لوگوس در هنگام تجسدش، شرایطی داشته است: «به راستی که لوگوس متجسد را تنها کسانی خواهند شناخت که از برکت و تقدس الهی سرشار باشند و گرنه، اگر لوگوس به جهان آید و من او را نشناسم، در آمدن او برای من خیری نیست».^۸

در باور او حضور لوگوس بعد از تجسد تا پایان جهان برقرار است و این حضور جاودانه‌ی لوگوس در جهان، نتیجه‌ی رحمت و نیکخواهی خدای پدر برای انسان است. از

1. Davis, Stephen, p. 11.

2. Ibid.

3. Origen, *Contra Celsus*, 4.5.

4. Ibid, 2. 9.

5. Origen, *Contra Celsus*, 2. 67.

6. Ibid, 2. 70.

7. Ibid, 2. 65.

8. Origen, *The Fathers of the Church, Homilies on the Luke*, Joseph Lienhard (trans.), Washington, 1996, vol.9, 9. 1.

رحمت خدا بر انسان است که لوگوس در ادوار مختلف و به شکل‌های مختلف ظهور می‌یابد و بر ما در جسم عیسی ظاهر شد و به حواریونش قول داد که همواره و تا پایان روزهای این جهان با آنها باشد.^۱ در حقیقت، تجسد لوگوس، وعده‌ی خداوند برای نجات انسان بود که این امر بدون قربانی الوهیت امکان‌پذیر نبود؛ هرچند ثمرات تجسد که همان رستگاری است شامل حال همگان نمی‌شود مگر آن‌که کسی بخواهد نجات پیدا کند.

نتیجه

اریگن از چهره‌های شاخص دوره‌ی آباء و از مهم‌ترین مدافعان مسیحیت قرن سوم و پیشگام مباحث اندیشه‌ی مسیحی است که با پدید آوردن تفاسیری مبسوط در باب قسمت‌هایی از کتاب مقدس، در تبیین اندیشه‌ی مسیحی سهم بزرگی دارد.

اریگن عمیقاً تحت‌تأثیر فلسفه‌ی افلاطونی بود و آمیختگی آن با تفکرش جدایی‌ناپذیر است. وی تحت نفوذ آموزه‌های نوافلاطونی در خصوص تجلیات الوهی، مسیح را در کارکرد عالم هستی‌اش مدنظر قرار داد و منجی را به عنوان سرمنشأ آفرینش قلمداد کرد. لوگوس متعلق به خدای پدر از ازلت است و نمی‌توان جدای از او به آن اندیشید.

اریگن معتقد بود پدر، پسر و روح‌القدس سه اقنوم یا سه وجود جاودانه‌اند؛ پسر که اقنوم دوم تثلیث است در یک لحظه‌ی زمانی خاص، زاده یا به وجود نیامده است بلکه ازلی است و برای همیشه توسط پدر خلق شده است. در تثلیث اریگن، سلسله مراتب، وجود دارد. در عین این‌که هر سه اقنوم در الوهیت اشتراک دارند، ولی خدای پدر از خدای پسر بزرگ‌تر و بلند مرتبه‌تر و خدای پسر نیز به همین شکل از روح‌القدس بزرگ‌تر و بلند مرتبه‌تر است. از نظر او خدای حقیقی فقط خدای پدر است و خدای پسر همان خدای پدر است و در مرتبه‌ای پایین‌تر قرار گرفته است. تفاوت ماهوی خدای پدر و پسر در آثار ارگن، به طرح یک رابطه‌ی طولی میان دو اقنوم الهی منجر می‌شود. او لوگوس را به عنوان مرتبه‌ی دوم الوهیت با عقل کامل افلاطونی تطبیق می‌دهد که پس از اقنوم اول یعنی واحد متعال قرار دارد و به وحدت ذاتی میان خدای پدر و لوگوس معتقد است و در این رابطه خدای پسر را تابع امر و اراده‌ی خدای پدر می‌داند.

1. Ibid, 5. 12.

به اعتقاد او مسیح در مرحله‌ی اول، عاملِ خلق جهان است، در برهه‌ای از زمان و با تدبیر الوهی که قبل از خلقت جهان رقم خورده است - بخاطر نجات انسان‌ها - متجسد می‌شود و بعد به صلیب کشیده می‌شود. پس از تصلیب، حضور روحانی مسیح - لوگوس در جهان - در کالبد کلیسا تداوم می‌یابد و به عنوان منجی انسان و واسطه میان خدای پدر و انسان ادامه می‌دهد.

کتابشناسی

- ایلخانی، محمد، «تثلیث»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، تألیف: غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی، ج ۷، ۱۳۸۱ ش.
- هیگ، جان، اسطوره‌ی تجسد خدا، ترجمه‌ی عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ ش.
- کونگ، هانس، متفکران بزرگ مسیحی، گروه مترجمان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۱ ش.
- مک‌گراث، آلیستر، درسنامه‌ی الهیات مسیحی، ترجمه‌ی بهروز حدادی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴ ش.
- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه‌ی حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ ش.
- ولفسن، هری اوسترین، فلسفه‌ی آباء کلیسا، ترجمه‌ی علی شهبازی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹ ش.
- هادی‌نا، محبوبه، ریشه‌های الهیات مسیحی در مکاتب گنوسی و افلاطونی میانه، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۰ ش.
- Bury, "Introduction to the Timaues Epistle", The Loeb Classical Library, R. G. Bury(trans.), G. P. Gold (ed.), Cambridge, Harvard University Press, 1973.
- Crouzel, H, "Origen", New Catholic Encyclopedia, USA, Gale Research Inc, 2 nd ed., 2002, vol. 10.
- Davis, Stephen, Coptic Christology in Practice, Incarnation and Divine Participation in Late Antique and Medieval Egypt, UK, Oxford University Press, 2008.
- Dillon, John, "Origen's Doctrine of Trinity and Some Later Neoplatonic Theories", Neoplatonism and Christian Thought, D. J. O'Meara (ed.), London, suny press, 1982, vol. 3.

- Dunzel, Franz, *A Brief History of the Doctrine of the Trinity in the Early Church*, Edinburgh, T & T Clarck, 2007.
- Eusebius, *Ecclesiastical History*, Kirsopp Lake & John E. L. Oulton (trans.), Cambridge, Harvard University Press, 1980.
- Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Gospel According to John*, Ronald E. Heine (trans.), Washington, The Catholic University of America Press, vol 80, 2001.
- Origen, *Contra Celsus*, Henry Chadwick (ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 1980.
- Origen, *On First Principles*, John Behr (ed. & trans.), Uk, Oxford University Press, 2017.
- Origen, *The Fathers of the Church, Homilies on the Luke*, Joseph Lienhard (trans.), Washington, 1996, vol.9.
- Origen, *The Fathers of the Church, Commentary on the Isaiah*, P. Scheck (trans.), Washington, The Catholic University of America Press, vol.9, 1998.
- Origen, *The Fathers of the Church, Homilies on the Jeremiah*, John Clark Smith (trans.), Washington, The Catholic University of America Press, vol.97, 1998.
- Trigg, Joseph Wilson, *Origen, The Bible and Philosophy in the Third Century Church*, London, Scm Press, 1985.
- Trigg, Joseph. W., *Origen, The Early Church Father*, London, Routledge, 1998.
- Tzamalikos, p., *Origen: Cosmology and Ontology of Time*, Leiden, Brill Academic Publishers, 2006.
- Whalen, John. P., "Roman Catholics", *New Catholic Encyclopedia*, USA, Gale Research Inc, 2002.
- Wolfson, Harry Austryn, *The Philosophy of the Church Fathers: Faith, Trinity, Incarnation (His Structure and Growth of Philosophic System from Plato)*, USA, Harvard University Press, 1970.